

درنگی بر بوم

نویسنده

دکتر قاسم امیر اصلانزاده

www.ketab.ir



سرشناسه	:	امیراصلاّنزاده، قاسم، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور	:	درنگی بر بوم/ نویسنده قاسم امیراصلاّنزاده.
مشخصات نشر	:	کرج: مؤسسه نشر سیمرغ آسمان آذرگان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۷۱ ص.
شابک	:	978-622-282-449-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Short stories, Persian -- 20th century
رده بندی کنگره	:	PIR۸۳۳۴
رده بندی دیویی	:	۶۲/فا۳۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۵۳۹۹۵۱

درنگی بر بوم

نویسنده: قاسم امیراصلاّنزاده

مؤسسه نشر سیمرغ آسمان آذرگان

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

چاپ و لیتوگرافی: چاپ فاطر

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۶۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۲-۴۴۹-۵

آدرس: کرج، جاده ملارد، گلستان ۴۳، ساختمان دیبا، واحد ۲۹ - کد پستی:

۳۱۶۶۹۳۶۸۶۹



فهرست

عنوان	صفحه
معرفی و مقدمه نویسنده.....	۷
فصل ۱: جاده تهران شمال.....	۹
فصل ۲: قهوه خانه دشت.....	۱۳
فصل ۳: هشت سال پیش.....	۱۷
فصل ۴: در ویلای شمال.....	۲۳
فصل ۵: گشت در شهر.....	۲۷
فصل ۶: چهار سال پیش.....	۳۵
فصل ۷: ایکاش او را نمیدیدم!.....	۳۹
فصل ۸: در گردشگاه نمک آبرو.....	۴۹
فصل ۹: ایاز کیست؟.....	۵۷
فصل ۱۰: در مزرعه ایاز.....	۶۱
فصل ۱۱: جشن خصوصی.....	۶۹
فصل ۱۲: بهراد در بیمارستان تهران.....	۷۷
فصل ۱۳: فهیمه پرستار و سرپرستار.....	۸۳
فصل ۱۴: حادثه برای ایاز.....	۸۷
فصل ۱۵: خبر مصدومیت ایاز به سحر هم رسید!.....	۹۱
فصل ۱۷: خانواده سحر در تهران.....	۹۷
فصل ۱۸: در شمال چه میگذشت؟.....	۱۰۳
فصل ۱۹: بعد از آی سی یو.....	۱۰۷
فصل ۲۰: حادثه ایاز چه بود؟.....	۱۰۹
فصل ۲۱: باز بررسی از ایاز.....	۱۱۷
فصل ۲۲: سحر و موضوع پایاننامه.....	۱۲۱
فصل ۲۳: استاد در کارگاه سحر.....	۱۲۷
فصل ۲۴: تصمیم جدی، و کار جدی.....	۱۳۱
فصل ۲۵: نمایشگاه نقاشی.....	۱۳۵

معرفی و مقدمه نویسنده

من در سال ۱۳۲۷ در بخش ممقان در آذربایجان شرقی بدنیا آمدم. مدرسه را تا کلاس نهم در زادگاهم خواندم و برای ادامه آن باید به تبریز می‌رفتم که با سختیهای زیادی همراه بود. در سال ۱۳۴۶ دبیرستان را بپایان رساندم و در همانسال در کنکور دانشکده پزشکی پذیرفته شدم.

پس از طی دوره هفت ساله پزشکی در سال ۱۳۵۳ با موفقیت فارغ التحصیل شدم. بعد از انجام خدمت نظام وظیفه در سپاه بهداشت و چند سال خدمت خارج از مرکز، در آزمون دستیاری تخصصی چشم پزشکی شرکت کردم و پذیرفته شدم. دوره آموزش تئوری و عملی چهار ساله آنرا گذراندم و در امتحان برد تخصصی نیز با رتبه خوب قبول شدم، و کمی بعد از آن به عضویت هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در رشته چشم پزشکی درآمدم.

در دوره دبیرستان کتابهای ادبی زیاد میخواندم و بدلیل علاقه ام به کتاب، مسئولیت کتابخانه مدرسه را نیز بعهده داشتم. اما در دانشگاه چه در سالهای تحصیل پزشکی عمومی و چه در دوره تخصصی و در سالهای اشتغال آموزشی و درمانی، فرصت پرداختن به ادبیات وجود نداشت، و حتماً میبایست کل وقت و انرژی ام صرف مطالعه و کار آکادمیک تخصصی میشد.

اما پس از بازنشستگی از دانشگاه و در اوقات فراغت (بخصوص اوقاتی که در خارج اقامت دارم) از خواندن شعر و ادبیات لذت میبرم و خود نیز با کمی ذوق نوشتن که دارم، شعر و داستان مینویسم.

در نگاه نخست، نویسندگی و شاعری پزشکان، شاید قدری دور از ذهن به نظر برسد، اما نگاهی به آثار ادبی جهان نشان می‌دهد که برخی نوشته‌های ماندگار در دنیای ادبیات، زاینده ذهن جستجوگر و آفریننده پزشکان نویسنده و شاعر است.